

تاریخچه پیدایش سندیکاهاى ایران - ۷

گوشه های از تاریخ

جنبش های انقلابی معاصر ایران

فاجعه تفرقه در صفوف

دولت انقلابی گیلان

سرانجام فاجعه بار اعدام حیدر عموغلو و مرگ میرزا کوچک خان
رضا روستا

شرح حال سه تن از رهبران نامی جنبش کارگری ایران

حیدر عموغلی- گرد آزادی
زندگی و مبارزه یک انقلابی بزرگ
کودکی و جوانی حیدر

حیدرخان عموغلی در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۸۸۰ میلادی (۱۲۵۹ شمسی) در خانواده پزشکی موسوم به میرزاغلی اکبر افشار در ارومیه تولد یافت. بهمین مناسبت حیدرخان افشار نیز نامیده میشود.

پدر وی علی اکبر افشار مردی روشنفکر و مترقی بود و در نهضت مشروطیت ایران شرکت ورزیده بود برادر بزرگ حیدرخان، عباس افشار در جریان انقلاب مشروطیت فعالیت پر دامنه و موثری داشته است. نظر به فعالیت های انقلابی، پدر و پسر مورد تعقیب ارتجاع واقع شدند و با تمام خانواده ناچار به مهاجرت و جلاى وطن گردیدند. پس از مدتها سرگردانی در شهرهای مختلف قفقاز بالاخره در شهر الکساندریل (پترزبورگ کنونی) اقامت گزیدند.

پدر حیدرخان به کار طبابت خود مشغول بود و از این ممر، امکان پیدا کرد که به تحصیل و تربیت فرزندان خود کمک شایانی بکند. حیدرخان ابتداء در شهر الکساندریل و سپس در تقلیس در رشته برق تحصیل نمود. در نتیجه تماس با محیط انقلابی روسیه و بر خورد با افکار سوسیال دمکراسی معاشرت با عناصر چون سرگو اورژنیکیزه به کسب علوم اقتصادی و اجتماعی جذب شد و به زودی به حزب سوسیال دمکرات روسیه وارد گردید. حیدرخان در ایام تعطیلات به کشورهای اروپای غربی برای کسب معلومات و فرا گرفتن علوم و فنون مسافرت می کرد. او علاوه بر زبان مادری و فارسی و زبانهای محلی قفقاز به زبان های روسی، فرانسه، آلمانی و ایتالتائی آشنائی داشت.

حیدرخان پس از خاتمه تحصیلات در معادن نفت باکو در قسمت برق مشغول کار شد و در اثر فعالیت انقلابی مجبور شد مدتی باکو را ترک کرده به اروپا برود. پس از بازگشت، به استخدام یکی از بازرگانان ایرانی موسوم به رضایف میلانی درآمد. این تاجر وی را برای ایجاد کارخانه برق در صحن حرم امام رضا به مشهد اعزام داشت. حیدرخان کارخانه برق را در مدت کوتاهی در مشهد دائر نمود.

حیدرخان در آغاز سال ۱۲۸۲ شمسی به تهران عزیمت نمود و چند ماهی در بانک استقراضی و اداره راه آهن و تهران کار کرد و سپس به عنوان متصدی و سر مکانیک کارخانه چراغ برق تهران مشغول کار شد. حیدرخان به علت کار در کارخانه برق حاجی امین الضرب معروف به حیدرخان برقی شد. پس از چندی نظارت در ساختمان خیابان های

تهران و راههای شوسه اطراف تهران نیز به حیدرخان محول گردید. اشتغال به کارهای مختلفه موجب گردید که حیدرخان از نزدیک با زندگی توده های زحمتکش ایران و اوضاع اقتصادی و اجتماعی آشنائی یابد. حیدرخان از این موقعیت و فرصت برای نشر افکار انقلابی در میان کارگران استفاده کرد و عده ای از ایرانیان مترقی و انقلابی را به محفل سوسیال دموکراسی تهران وارد نمود و در تهران و سایر شهرها به ایجاد حوزه ها و محافل سوسیال دموکراسی مبادرت ورزید.

این محافل سوسیال دموکراسی موسوم به مراکز غیبی گردیدند (حوزه مخفی سوسیال دموکراسی اجتماعیون و عامیون) تهران به رهبری حیدرخان تشکیل شد. مرکز غیبی تبریز و مرکز غیبی رشت موسوم به کمیته ستاری در تربیت مجاهدین انقلاب مشروطیت رل مهمی بازی کرده است.

جمعیت اجتماعیون و عامیون و محافل سری مربوطه به آن وابسته به مرکز سوسیال دموکراسی ایران در عین حال در قفقاز تشکیل یافته بود. مرکز سوسیال دموکراسی قفقاز و انجمن شهر باکو تحت رهبری انقلابی معروف و برجسته آذربایجان شوروی نریمان نریمانف اداره می شد و عباس برادر حیدر در این انجمن شرکت فعال داشت. محافل سری قفقاز و انجمن باکو ضمن مبارزه علیه رژیم استبدادی ایران دوشادوش زحمتکشان باکو با رژیم تزاری روسیه مبارزه می کردند.

پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ روسیه حیدرخان عموغلی مسافرتی به کشورهای اروپای نمود. وی در این مسافرت ها تکمیل معلومات فنی خود پرداخت. حیدرخان طبق توصیه انجمن مجاهدین فنون ساختن بمب و سایر اسلحه و ادواتی که به کار مبارزه انقلابی می خورد آموخت. در سال ۱۹۰۷ میلادی (۱۲۸۶ شمسی) حیدرخان مجدداً به ایران باز می گردد و فعالیت انقلابی خود را در راس مجاهدین و مبارزین نهضت مشروطیت از سر می گیرد. حیدرخان در آذربایجان در ناحیه خوی و ماکو علیه ارتجاع و خانهای ماکو و اقبال السلطنه و خانهای مرتجع ایل شکاک به مبارزه مسلحانه پرداخت.

در این جنگها حیدرخان یک میلیشیای بین المللی مرکب از جوانان کرد، آذربایجانی، ارمنی، آسوری، گرجی و ترک و غیره تشکیل داد. آنها را علیه ارتجاع رهبری و فرماندهی کرد. در همان ایام روزنامه مشروطه خواه "مکافات" چنین نوشت: "اگر مجاهدات و راهنمائی حیدرخان نبود به طور حتم قلعه خوی به دست مرتجعین می افتاد" در همین ایام است که میرزا حسین اولین دبستان را در **خوی** به پشتیبانی حیدرخان دائر کرد. حیدرخان در دفع **شجاع نظام** مرتجع معروف و یکی از سردستگان خونخوار مستبدین و یکی از قسی ترین دشمنان آزادی ایران تدابیر فراوانی به کار برد و بالاخره مشروطه و مشروطه خواهان را از شر وی نجات بخشید و وی را به قتل رساند.

محمد علیشاه برای اعاده ارتجاع و تسلط استبدادی خود سرهنگ لیاخوف را وادار کرد در تابستان ۱۹۰۸ مجلس شورای ملی ایران را به توپ بسته و آزادیخواهان را قلع و قمع نماید. محمد علیشاه نه تنها مشروطه مورد موافقت پدرش را از بین برد بلکه کشور ایران را به امپریالیستها فروخت. لذا تمام مردم ایران نسبت بوی نفرت شدیدی داشتند. جهانگیر خان **صورافیل، ملک المتکلمین** و سایر آزادیخواهان معروف و نیکنام ایران را شهید کرد.

حیدرخان عموغلی مامور از میان بردن **محمد علیشاه** گردید. حیدرخان با بمب هائی که خود ساخته بود به کالسکه محمد علی میرزا بمبی پرتاب نمود. بمب به درشکه چی و بعضی از مستخدمین محمد علی میرزا اصابت کرد ولی به خود شاه خونخوار اصابت ننمود. در نتیجه حیدرخان بازداشت میشود و برای اعدام در اطاق مرگ زندانی می گردد. ولی حیدرخان با کمک کمیته سری سوسیال دموکراتها و رفقای خود موفق می شود از زندان بگریزد.

حیدرخان پس از فرار بلافاصل به بغداد و اسلامبول و سپس به اروپا مسافرت کرد و پس از اندک مدتی بنا به تصمیم حزب سوسیال دموکرات به ایران باز میگردد. در موقع اقامت در

اروپا حیدرخان بیکار نشست. افکار عمومی آزادیخواهان اروپا را برای پشتیبانی از مجاهدان آزادی ایران جلب کرد.

در اواخر سال ۱۹۰۹ امپریالیسم انگلستان و روسیه تزاری در کار داخلی ایران دخالت کرده، جنبش آزادیخواهی را در ایران سرکوب نمودند. روسیه تزاری در سال ۱۹۱۱ برای اخراج مورگان امریکائی رئیس دارائی اولتیماتوم داد. مردم علیه این اولتیماتوم قیام کردند و شعار یا مرگ یا استقلال شعار عمومی مردم ایران گردید.

در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ قرارداد انگلستان با روسیه تزاری درباره تقسیم ایران و افغانستان و ثبت به مناطق نفوذ به امضاء رسید. طبق این قرارداد شمال ایران با اصفهان و یزد و قصرشیرین و سرحد ذوالفقار جزو منطقه نفوذ روسیه تزاری بود. جنوب شرقی از بیرجند، کرمان و بندرعباس و حدود افغانستان جزو منطقه نفوذ انگلستان گردیده بود. بین منطقه شمال و جنوب یک ناحیه و منطقه بی طرف بود که برای ایران باقی مانده بود و آنهم بعداً در سال ۱۹۱۵ بین طرفین تقسیم گردید.

حیدرخان عموغلی چنانچه گفته شد افکار عمومی آزادیخواهان اروپا را برای کمک با انقلابیون ایران جلب کرد و بوسیله رفقای خود اورژنیکیزه و شائومیان و هلنا به کنفرانس پراک حزب بالشویک به نزد ولادیمیر ایلیچ لنین از فجایع و تجاوزات دولت روسیه تزاری نسبت به آزادیخواهان ایران شکایت برد. در نتیجه بنا به پیشنهاد لنین کنفرانس پراک مورخه سال ۱۹۱۲ قطعنامه زیر را صادر مینماید:

"حزب سوسیال دموکراسی کارگری روسیه علیه روسیه تزاری که میخواهد با اعمال بربر منشانه خود آزادی را در ایران خفه کند اعتراض مینماید. کنفرانس همدردی کامل خود را با مبارزه خلق ایران از آن جمله با مبارزه حزب سوسیال دموکرات ایران که در نبرد علیه ستمکاری تزاری، آنهمه قربانی داده است ابراز میدارد.

حیدرخان در اروپا و خارج از ایران دسته های مختلف ایرانیان را متحد می نماید. کادرهائی برای مبارزه انقلابی و نهضت رهائی بخش ایران تهیه و آماده میکند و به این کادرها **تربیت** مارکسیستی میدهد.

جنگ جهانی اول ایران را مصون نگذاشت. اگر چه دولت ایران رسماً بیطرفی خود را اعلام کرده بود ولی خاک ایران مبدل به اردوگاه نظامی دول متخاصم گردید. دولت ایران قادر نبود کشور را از تاخت و تاز ارتش متخاصمین محفوظ نگاهدارد. در اینموقع میهن پرستان و آزادیخواهان به دفاع از میهن خود برخاستند. حیدرخان در این مبارزات نقش مهمی بازی کرد. حیدرخان در سال ۱۹۱۵ به نهضت ملیون مهاجرین و ژاندارمری (که در آن زمان رل مترقی و میهن پرستانه داشت) وارد شد. در **حکومت موقت ملی** که در **قم** و سپس در کرمانشاهان تشکیل یافته بود، حیدرخان شرکت فعال داشت. پس از جنگهای خونین با اشغالگران در قم قوای ملیون دچار شکست میگردد. حیدرخان اسیر و محکوم به حبس با اعمال شاقه شده ولی پس از اندک مدتی موفق به فرار و مهاجرت به اروپا میشود. حیدرعموغلی بنا به دعوت سید حسن تقی زاده که آن وقت در برلن بود و با عده ای از ایرانیان به نشر مجله کاوه پرداخته بود در سال ۱۹۱۷ به برلن آمد.

بین حیدرخان و سید حسن تقی زاده در باره طرز عمل و اقدام در کارهای ایران اختلاف نظر بوجود آمد و بالاخره (در اثر اختلاف نظر اساسی) بین این دو نفر موافقت حاصل نشد. حیدرخان بر علیه مداخله آلمان ها و ترک ها در امور ایران بود و عقیده داشت که ایران را خود ایرانی ها بهتر از هر خارجی میتوانند اداره بنمایند و انقلابیون نباید آلت مقاصد امپریالیستی دیگران باشند. تقی زاده عقیده ای مخالف حیدرخان داشت. سید حسن تقی زاده چون در شخص حیدرخان عموغلی یک انقلابی مستقل الرای و جدی می دید لذا با دادن اختیارات به او و شرکت وی مخالفت کرد و حیدرخان را طرد نمود.

فعالیت حیدر در نهضت کارگری و کمونیستی ایران

حیدرخان عموغلی پس از پیروزی انقلاب اکتبر به روسیه مراجعت کرد و به جنگهای انقلابی علیه مداخله جویان امپریالیستی و ضد انقلابی دست زد. ابتدا در پتروگراد و سپس در جبهه ترکستان در جنگهای داخلی علیه دشمنان انقلاب اکتبر به جنگ پرداخت. مخصوصاً بر علیه قوای اشغالگر انگلستان که ایران و قسمتی از ترکستان و باکو را اشغال کرده بودند. در سال ۱۹۱۸-۱۹۲۰ به تشکیل کردن زحمتکشان ایران وارد کردن آنها به ارتش سرخ انقلابی ایران پرداخت.

حزب کمونیستی (عدالت) که رسماً بلافاصله پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در باکو به وسیله اسداله غفارزاده و عده ای از انقلابیون ایران تشکیل شده بود، در اثر تعقیب ارتجاع و حکومت موقت کرنسکی و نیز کشتار ارتش اشغالگر ترکیه و غیره ضعیف و تقریباً متلاشی بود. خود اسداله غفارزاده در راه ارتباط گرفتن با قوای پارتیزانی جنگل بوسیله عناصر ضد انقلابی مقتول شد.

جنگلی ها مجاهدین و مبارزینی بودند که علیه اشغالگران امپریالیستی دربار فاسد قاجار در سال ۱۹۱۵ در جنگهای گیلان موضع گرفته و به جنگهای پارتیزانی می پرداختند. قوای جنگل جنگهای خونین علیه قوای اشغالگر انگلستان نمود و مدت مدیدی مانع حرکت ارتش انگلستان به سوی قفقاز گردید.

حیدرخان بهراهی حسن نیک بین (که پس از وی دبیرکل حزب کمونیست ایران بود) در سال ۱۹۱۸ دومین کنفرانس حزب عدالت را در عشق آباد تشکیل داد و دستجات متفرق حزب عدالت را با هم متحد کرد و خود حیدرخان بعنوان صدر حزب عدالت انتخاب گردید.

حیدرخان در سال ۱۹۱۹ به دعوت لنین از طرف حزب عدالت در تشکیل اولین کنگره بین المللی سوم کمونیستی به پتروگراد دعوت میشود و بعداً به نمایندگی ایران در هیئت اجرائیه بین المللی سوم (کمینترن) انتخاب میگردد.

در مئینگ بین المللی کارگران پتروگراد که به مناسبت اعیاد بین المللی کمونیستی تشکیل شده بود، حیدرخان نطق مبسوطی از وضع ایران و آمادگی مردم ایران برای مبارزه و کمک به ارتش آزادیبخش سرخ ایراد نمود و این نطق در جرائد پتروگراد در آن زمان درج و منتشر گردید. نام مستعار حیدرخان در این دوران **رجب بمبی** بود.

حیدرخان در آخر نطق خود چنین گفت:

"انقلاب اکتبر قرارداد ۱۹۰۷ بین انگلستان و روسیه تزاری را از بین برد. انقلاب اکتبر تمام مقاصد و هدف جهانگیرانه امپریالیسم روسیه را از بین برد، ارتش روسیه را از ایران فرا خواند و بدین طریق پایه و اساس انقلاب سوسیالیستی جهان را پایه گذاری کرد." رفق!

امروز پس از پیروزی انقلاب اکتبر ما شما را مانند برادران و دوستان خود حساب میکنیم **برادروار** بایستی کمک همدیگر باشیم. ما موفق شدیم تا بحال ۱۳۸۰۰ نفر ایرانی را در صفوف ارتش سرخ متشکل کنیم. ما بیش از پیش خوشوقت و سعادتمند خواهیم بود که رابطه بیشتری بین روسیه امروز و ایران انقلابی برقرار کنیم. به ما امکان بدهید که دوشادوش شما در ردیف شما با دشمنان مشترک مبارزه نمائیم. ما خواهیم توانست تا صد هزار نفر ارتش سرخ ایرانی تهیه نمائیم."

بی مناسبت نیست در باره تشکیل اردوی سرخ از ایرانیان خبری را که در همان ایام در یکی از روزنامه های سمرقند چاپ شده بود نقل کنیم. مجله هفتگی شعله انقلاب چاپ سمرقند به زبان فارسی مورخ ۲۱ مارس ۱۹۲۰ شماره ۳۵ خود چنین نوشت:

"۱۵ فوریه ۱۹۲۰ در تاشکند **مسجد** ایرانیان متینگ رنجبران ایرانی برپا گردید. دویست نفر از کارگران ایرانی حضور داشتند. متینگ را نماینده کمیته مرکزی حزب عدالت (اشتراکیون) علیخان زاده گشود. سپس رفیق مصطفی صبحی از سیاست استیلاگرانه متفقین در ایران و در تمام شرق بیانات و توضیحاتی داد. همچنین رفقا سلطان زاده و فتح الله زاده در باره اقتصاد ایران نطق هائی کردند. در آخر از طرف مجلس قرار نامه ای صادر و قبول شد بنا به پیشنهاد یکی از رفقا قرار گذاشته شد برای فرستادن به ایران یک اردوی سرخ از ایرانیان تشکیل یابد. در همان مجلس تمام دویست نفر، یعنی همه حاضرین در **اردوی سرخ** نام نویسی کردند."

شرکت در کنگره خلقهای شرق

در سپتامبر سال ۱۹۲۰ کنگره خلقهای شرق به ابتکار کمینترن در باکو تشکیل شد. در این کنگره حیدرخان به اتفاق محمد آخوند زاده و دیگران شرکت داشتند. حیدرخان عمو اغلی در راس نمایندگان ایران بود. او جزو هیئت رئیسه کنگره و بعداً جزو هیئت اجراییه (شعبه تبلیغات) انتخاب شد. حیدرخان در این کنگره نطق مبسوطی به زبان آذربایجانی ایراد کرد که خودش آنرا به فارسی ترجمه کرد. در این کنگره **چپ روی و اشتباهات کمونیست ها و انقلابیون گیلان** مورد بحث و نکوهش قرار گرفت. در آن موقع چپ روان انقلاب سوسیالیستی را مطرح میکردند و اموال بورژوا و خرده بورژوا را مصادر می نمودند و ضمناً برای **برداشتن چادر زنان و علیه مذهب** اقدامات و عمل می کردند. چپ روان تمام قشرهای مختلف زحمتکشان را به مخالفین انقلاب مبدل کرده بودند. حیدرخان پس از خاتمه کنگره در متینگ عمومی شهر باکو نطق مفصلی ایراد کرد.

در اوج انقلاب گیلان اولین کنگره حزب کمونیست ایران در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در بندر انزلی تشکیل یافت. این کنگره از کادرهای حزب سوسیال دموکرات "عدالت" تشکیل گردید. فعالیت عمده این حزب بیشتر در گیلان انقلابی بود. گیلان در آن موقع پایگاه نهضت رهائیبخش ایران بود.

برنامه حزب کمونیست اخراج امپریالیست ها از ایران، بر چیدن بساط سلطنت و فئودالیسم بود. در قسمت ارضی ضبط املاک فئودالها و ملاکین بزرگ و تقسیم بلاعوض آنها به دهاقین مطرح میشد. کنگره اول حزب کمونیست پس از تصویب برنامه و اساسنامه تهنیت و تبریکی به ولادیمیر ایلیچ لنین ارسال داشت و ۱۵ نفر را بعنوان کمیته مرکزی انتخاب کرد. **سلطان زاده** (صدر) کارمان آقایی و میرجعفر پیشه وری (جواد زاده) به سمت دبیران حزب انتخاب شدند. حیدرخان عمو اغلی در این کنگره به جهات زیر شرکت نداشت.

حیدرخان در آن موقع سرگرم مبارزات و جنگهای داخلی در ترکستان علیه مداخله جویان امپریالیسم انگلستان بود.

حیدرخان در آن موقع ایرانیان مقیم آسیای میانه (ترکستان) را تجهیز می کرد و آنها را به ارتش سرخ وارد مینمود و یا برای کمک به انقلاب گیلان اعزام میداشت.

حیدرخان عضویت شورای جنگی مشرق (ترکستان) را به عهده داشت و علیه اشغالگران و ضد انقلابیون در جنگ و نبرد بود

دلیل دیگر عدم شرکت حیدرخان در کنگره اول اختلاف نظری بود که با سلطان زاده و آقایی ها داشته است. حیدرخان آنها را چپ رو میدانست.

پس از اندک مدتی در اثر فعالیت چپ روانه حزب کمونیست بین زعمای انقلاب گیلان وحدت مبدل به اختلاف شد. تند روی یا چپ روی کمونیست ها از طرفی و ترس کوچک خان از توسعه نهضت از طرف دیگر چپ واحد ملی را متلاشی کرد.

کوچک خان حاضر نبود که انقلاب را بسط دهد. یعنی حاضر نبود که از محیط گیلان پا فراتر گذارد و اصلاحات ارضی را عملی نماید. حزب کمونیست قطعنامه ای درباره تعویض کوچک خان از صدارت انقلاب صادر کرده بود. خلاصه کوچک خان در ۲۰ ژوئیه ۱۹۲۰ از مقام خود مستعفی و با قوای خود به جنگل می‌رود. به این طریق انقلاب گیلان منشعب می‌گردد. بدیهیست عمال امپریالیسم و ارتجاع ایران محرک و مشوق این انشعاب بوده اند. در ۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰ حکومت جدید انقلاب گیلان به ریاست **احسان الله خان** بنام کمیته آزادی ایران تشکیل شد. از حزب کمونیست رفقا سلطان زاده، جواد زاده و کامران آقازاده در این کمیته وارد شدند. یعنی در دولت احسان الله خان شرکت جستند. احسان الله خان در سالهای ۱۹۱۵ به بعد در کمیته مجازات با حسین خان ابوالفتح زاده و پیشنماز زاده کار می‌کرد. پس از دستگیری و اعدام رهبران کمیته مجازات احسان الله خان به اتفاق دکتر حشمت طالقانی و جواد خان تنکابنی به نهضت جنگل پیوست. احسان الله خان تحصیلات قضائی خود را در پاریس به اتمام رسانده بود. او مردی بود دموکرات و مشهور ولی با نظریات آنارشیستی. پس از شرکت رفقای حزبی در حکومت انقلابی گیلان چپ روی ها توسعه یافته و به حد کمال رسید. انقلاب گیلان با آن کامیابی ها درخشانی که چرچیل را نگران و مضطرب نموده بود و ارتش انقلابی را تا نزدیک قزوین رسانده بود، دچار شکست می‌شود. لشکریان شاه با کمک ارتش اشغالگر انگلستان شهر رشت را اشغال کردند و به نزدیکی غازیان و رشت رسیدند. فقط بعد از جنگهای خونین و مقاومت سخت انقلابیون در بندر انزلی و غازیان و تلفات زیاد دشمن، لشکریان شاه رشت را تخلیه نموده تا امامزاده هاشم عقب نشینی کردند و در رودبار موضع گرفتند.

حیدر بر راس حزب کمونیست ایران و انقلاب گیلان

در نتیجه اعتراضات توده حزبی و نارضائی زحمتکشان از چپ روی در انقلاب گیلان تحت رهنمائی بین المللی کمونیستی، پلنوم کمیته مرکزی در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۲۰ تشکیل شد. پس از انتقادات لازمه رهبری حزب کمونیست به دست حیدرخان و رفقای وی سپرده شد. **حیدرخان** بعنوان صدر کمیته و دبیر کل انتخاب می‌گردد. حسن نیک بین نیز به عنوان معاون و دبیر حزب معین می‌گردد. اعضای منتخب دیگر محمد آخوندزاده شیرازی، محمد رسول، سیفی و دیگران بوده اند. با انتخاب حیدر عموغلی انقلاب گیلان از عناصر چپ رو تصفیه می‌شود و انقلاب گیلان به مرحله سوم خود (وحدت جدید) وارد می‌شود.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران تزه‌های حیدرخان را در باره دورنمای انقلاب ایران و منظره انقلاب گیلان مطرح میکند و مورد تصویب قرار میدهد و نیز برنامه و اساسنامه حزب را تصویب مینماید. این تزه‌ها و سایر مدارک بر بنیاد مارکسیسم-لنینیسم به وسیله شخص حیدرخان تهیه و تنظیم می‌گردد. تمام هم و کوشش حیدرخان در این بود که انقلاب گیلان را سرو صورتی بدهد و آنرا از دست اشخاص نالایق و چپ روهایمانند آقایی ها و صدقعلی ها نجات بخشد.

حیدرخان پس از به دست گرفتن رهبری حزب با عده ای از جوانان رشید و ورزیده با وجود مشکلات زیاد و مخالفت های چپ و راست با مقداری اسلحه به گیلان حرکت می نماید. در این امر خطیر پشتیبان و الهام دهنده حیدرخان غیر از توده انقلابی ایران رفقای رهبری حزب کمونیست قفقاز مانند نریمان نریمان اف، اورژنیکیدزه و غیره بوده اند. حیدرخان پس از آمدن به گیلان دست به کار شد و موفق گردید بین زعمای انقلاب گیلان التیام دهد و حکومت انقلابی جدید را تحت رهبری مجدد کوچک خان بوجود آورد. خود حیدرخان در دولت

انقلابی جدید **وزارت امور خارجه** را به عهده گرفت ولی در حقیقت رهبری تمام جریان انقلاب گیلان با حیدرخان بود.

کمیته جدید انقلاب مرکب از میرزا کوچک خان، احسان اله خان، حیدرخان عموغلی، خالو قربان و میرزا محمدی بود. بین زعمای انقلاب موافقت نامه ای به امضاء رسید.

شرکت حیدرخان عموغلی که اشتهار زیادی در انقلاب مشروطیت ایران به دست آورده بود، در انقلاب گیلان موجب مسرت و خوشحالی آزادیخواهان و رونق مجدد انقلاب گیلان گردید. در عین حال موجب وحشت و نگرانی محافل ارتجاع و امپریالیسم شد.

حیدرخان و حزب کمونیست مشی متحد کردن تمام قوای انقلاب را در گیلان مطمع نظر قرار میدهند و جبهه واحد ملی تشکیل میگردند. در این دوره بود که برای تحکیم و تقویت صفوف خود حزب به تصفیه از عناصر ناباب و مخالف مبادرت می ورزد.

در تزه‌های حیدرخان مصوبه پلنوم کمیته مرکزی ضرورت اصلاحات ارضی مبنی بر تقسیم املاک ملاکین بزرگ بین دهقانان مقدم شمرده میشود و خود حیدرخان صدارت رهبری اتحادیه دهقانان را به عهده گرفت.

با آنکه موافقت نامه بین زعمای انقلاب گیلان به امضای همه رسیده بود، معهذاً میرزا کوچک خان به رشت نیامد و کماکان در فومن باقی ماند. احسان اله خان نیز که از ریاست دولت محروم شده بود بدون اجازه کمیته انقلاب با طرفداران خود و عناصر مشکوک به طرف تهران لشکرکشی کرد و در حوالی تهران دچار شکست گردید و به لاهیجان عقب نشینی کرد و لشکریان شاه به سرکردگی رضاخان میرپنج وزیر جنگ وقت تا شهر لنگرود پیش رفتند.

پس از شکست دستجات احسان اله خان و رسیدن ارتش شاهی به ریاست رضاخان به شهر لنگرود حیدرخان مامور جلوگیری از پیشروی لشکریان دولت شد. تحت رهبری حیدرخان ارتش شاه در نواحی لنگرود دچار شکست گردید و مجبور به عقب نشینی شد.

پس از شکست قوای ارتجاع بسرکردگی رضاخان میرپنج امپریالیست ها با کمک فکری قوام السلطنه تصمیم گرفتند که انقلاب گیلان را از داخل منفجر و تلاشی نمایند و حیدر خان را ترور نمایند. آنها حس کردند که با سرنیزه نمیشود انقلاب گیلان را از بین برد، لذا تصمیم شیطانی خود را گرفتند. برای این کار افرادی را از چندی قبل به گیلان اعزام داشتند و با نقشه معین آنها را وادار به انداختن نفاق و مبارزه نهائی بر علیه حزب کمونیست و رهبر آن حیدرخان عموغلی نمودند. این عناصر پس از چندی کار محرمانه و ماهرانه موفق شدند شکاف بین زعمای انقلاب را عمیق نمایند. مخصوصاً کوچک خان را که مردی متزلزل و مردد بود نسبت به حیدرخان و حزب کمونیست مظنون کردند، به کوچک خان تلقین کردند که حیدرخان و رفقایش در صدد کودتا و توطئه برای از بین بردن شخص او میباشند.

۲۱ سپتامبر ۱۹۲۱ کوچک خان نقشه کودتای ضد انقلابی خود را به موقع اجرا گذاشت. در این روز به بهانه مشورت در امر مهمی کمیته انقلاب را دعوت به صومعه سرا مقرر اقامت خود نمود. تمام اعضای حکومت به استثنای احسان اله خان که در جبهه رودسر و رانکوه بود حاضر شدند. حیدرخان به اتفاق سرخوش و خالوقربان و خالو کریم، میرزا محمدی و غیره حاضر شدند. میرزا محمدی چون از **نقشه خائنانه کوچک خان** با خبر بود لذا به بهانه ای از عمارت خارج شد. حاضرین به انتظار حاضر شدن میرزا کوچک خان بودند که ناگهان به امر کوچک خان صدای شلیک بلند شد و عمارت آتش گرفت. حیدر خان، خالو قربان و خالو کریم خود را از ایوان عمارت به زیر پرتاب کرده و دفاع کنان فرار کردند.

خالو قربان و خالو کریم چون به راههای جنگل آشنا بودند خود را به بندر انزلی رساندند ولی حیدرخان چون راه را بلد نبود از راه مستقیم خود را به پل پسیخان در نزدیکی رشت رساند. در این جا تفنگداران کوچک خان به سرکردگی حسن خان کیش دره ای، حیدرخان را

دستگیر و پس از شکنجه در صبح اول اکتبر ۱۹۲۱ (۱۳۰۱ شمسی) بقتل رساندند و با این عمل خائنه تیشه به ریشه انقلاب زده شد و پس از چندی انقلاب گیلان پایان یافت و رشت و انزلی به تصرف قوای رضاخان درآمد و خود کوچک خان نیز مورد تعقیب قوای دولتی قرار گرفت و در موقع فرار از ماسوله به خلخال در اثر سرمای شدید نیمه مرده افتاد. ماموران دولت سر او را از بدن جدا کردند و با سر بریده کلنل محمد تقی خان پسیان به تهران آوردند. حیدرخان عموغلی "افشار" از شخصیت های برجسته و از انقلابیون مبرز میهن ماست. وی یکی از بنیاد گذاران نهضت مشروطه و پایه گذاران جنبش کارگری و از پیشاهنگان ترویج اندیشه مارکسیزم و لنینیزم در ایران است. حیدرخان موسس حزب عدالت و جنبش سوسیال دموکراسی انقلابی در کشور ماست. وی هم اهل علم بود و هم اهل عمل و بدون تردید از تابناکترین چهره های تاریخ معاصر است.

راه توده ۱۶۸ ۲۵,۰۲,۲۰۰۸